



Industrial Free Trade Zones Governance Based on the Theory of Good Governance

Mahdi Abdollahpour 

PhD Student in Public Administration,
Faculty of Management and Accounting,
Allameh Tabataba'i University, Tehran,
Iran

Gholamreza Kazemian  *

Associate Professor, Department of Public
Administration, Faculty of Management
and Accounting, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Hosein Aslipour 

Associate Professor, Department of Public
Administration, Faculty of Management
and Accounting, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Abstract

Today, industrial free trade zones, as one of the main economic foundations, have taken a large share of the economies of developed and developing countries. However, the free zones in our country, despite their unique geopolitical position and abundant territorial, human, and natural capacities, have not been able to achieve the goals foreseen in the law on the formation and administration of these zones.

* Corresponding Author: kazemian@atu.ac.ir

How to Cite: Abdollahpour, M. , Kazemian, G. and Aslipour, H. (2024). Industrial Free Trade Zones Governance Based on the Theory of Good Governance. *Studies in Public Service Administration*, 2(4), 1-40. doi: 10.22054/spsa.2024.80095.1043

Considering that the governance model and the rules and regulations governing the regions are known to be one of the main factors affecting the performance of these regions, in the present research, the dimensions and governance components of industrial free trade zones are identified with the deductive thematic analysis approach (background-based) and their stratification has been discussed with Interpretive Structural Modelling (ISM). The results indicate that in the most basic level of the model (fourth level), transparency, equality, inclusiveness, and participation are placed, which act as the cornerstone of the model and can be a good start for improving the governance of free zones.

Keywords: Governance, Free trade and industrial zones, Deductive Thematic Analysis (DTA), Interpretive Structural Modeling (ISM).

حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی بر اساس نظریه حکمروایی خوب

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه
علامه طباطبائی، تهران، ایران

 مهدی عبدالله پور

دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه
طباطبائی، تهران، ایران

 * غلامرضا کاظمیان

دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه
طباطبائی، تهران، ایران

 حسین اصلی پور

چکیده

امروزه مناطق آزاد تجاری صنعتی به عنوان یکی از پایه های اصلی اقتصادی، سهم مهمی از اقتصاد کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را به خود اختصاص داده اند. اما مناطق آزاد در کشور ما با وجود موقعیت ژئوپلیتیکی خاص و ظرفیت های سرشار سرزمینی، انسانی و طبیعی نتوانسته اند اهداف پیش بینی شده در قانون تشکیل و اداره این مناطق را محقق نمایند. با توجه به اینکه الگوی اداره و قوانین و مقررات حاکم بر مناطق آزاد یکی از اصلی ترین عوامل مؤثر بر عملکرد این مناطق است، در پژوهش حاضر به شناخت ابعاد و مؤلفه های حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی با رویکرد تحلیل مضمون قیاسی (پیشینه محور) بر مبنای نظریه حکمروایی خوب و سطح بندی آن ها با مدل سازی ساختاری تفسیری پرداخته شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که در بنیادی ترین سطح این مدل (سطح چهارم)، مؤلفه هایی مانند شفافیت، برابری و همه شمولی و مشارکت قرار دارند. این مؤلفه ها به مثابه سنگ بنای مدل عمل کرده و می توانند نقطه شروعی مناسب برای ارتقای سطح حکمروایی در مناطق آزاد باشند.

کلیدواژه ها: حکمروایی، مناطق آزاد، تحلیل مضمون قیاسی، مدل سازی ساختاری تفسیری.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتر رشته مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی است.

* نویسنده مسئول: kazemian@atu.ac.ir

مقدمه

در دهه‌های اخیر مناطق آزاد به یک ابزار سیاستی سرمایه‌گذاری محبوب در دنیا و به‌ویژه در اقتصادهای نوظهور تبدیل شده‌اند (Hidayat & Negara, 2020). به‌طوری‌که بر اساس گزارش کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد^۱ در سال ۱۹۷۵، تعداد ۷۹ منطقه آزاد و ویژه در ۲۹ کشور فعال بوده، در حالی‌که در سال ۲۰۱۹ تعداد این مناطق در دنیا نزدیک به ۵۴۰۰ رسیده است که بیش از ۱۰۰۰ مورد آن در پنج سال گذشته تأسیس شده است و انتظار می‌رود حداقل ۵۰۰ منطقه دیگر (نزدیک به ۱۰ درصد کل مناطق فعلی) در سال‌های آینده افتتاح شوند (UNCTAD, 2019). برای مناطق آزاد، تعاریف متعددی ارائه شده که دو بخش مشترک در تمام آن‌ها تأکید بر محدوده جغرافیایی خاص و وجود مشوق‌های قانونی است. لذا می‌توان مناطق آزاد را یک محدوده جغرافیایی خاص تعریف کرد که در آن دولت‌ها از فعالیت‌های اقتصادی (چه تجاری و چه صنعتی) از طریق ارائه یک سری امتیازات که عمدتاً بر معافیت از عوارض گمرکی و مشوق‌های قانونی متمرکز است، حمایت می‌کنند (Alansary & Al-Ansari, 2023). امروزه مناطق آزاد تجاری صنعتی با ایجاد بستر افزایش صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی اقتصادی سهم بزرگی از اقتصاد کشورهای پیشرفته را به خود اختصاص داده‌اند. اما در کشور ما این مناطق نتوانسته‌اند عملکرد مطلوبی داشته باشند (مشفق، ۱۴۰۱؛ دهمرده قلعه نو و همکاران، ۱۳۹۸؛ محمدی فرد و پناهی نیکی قشلاق، ۱۴۰۰؛ اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۷).

ایده تأسیس مناطق آزاد در ایران به اوایل دهه ۱۳۳۰ بازمی‌گردد که در شهریورماه سال ۱۳۷۲ قانون چگونگی تشکیل و اداره این مناطق توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید (ذاکری و اسفندیاری کلوکن، ۱۳۹۵) و در ماده ۱ این قانون ۸ هدف: تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی برای مناطق آزاد پیش‌بینی شده است. کیش، قشم، چابهار، ارس، انزلی، اروند،

1 United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

ماکو و شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)، در حال حاضر هشت منطقه آزاد تجاری صنعتی ایران را تشکیل می‌دهند.

مناطق آزاد در کشور ما برخلاف تجارب موفق جهانی باوجود موقعیت ژئوپلیتیکی خاص و ظرفیت‌های سرشار سرزمینی، انسانی و طبیعی، عملکرد قابل قبولی نداشته و نتوانسته‌اند اهداف پیش‌بینی‌شده در قانون تشکیل و اداره این مناطق را محقق نمایند (مقدم و همکاران، ۱۳۹۹؛ محمدی فرد و پناهی نیکی قشلاق، ۱۴۰۰)؛ به‌طوری‌که طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ مبنی بر عملکرد مناطق آزاد ایران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ حاکی از آن است که سهم این مناطق از حجم تولید کشور حدود ۱ درصد، از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حدود ۱۰ درصد، (با در نظر گرفتن صادرات خدمات) از صادرات غیرنفتی حدود ۱ درصد، از تعداد واحدهای تولیدی فعال در سطح کشور کمتر از ۳ درصد و از اشتغال‌زایی کل کشور نزدیک به ۴ درصد است. همچنین میزان واردات کالا از طریق مناطق آزاد نیز حدود ۲ برابر صادرات کالا از این مناطق به خارج از کشور است. در حوزه اشتغال‌زایی نیز توجه به این نکته ضروری است که علیرغم اینکه وسعت مناطق آزاد بیش از سه برابر وسعت نواحی و شهرک‌های صنعتی کشور است، میزان اشتغال ایجادشده در شهرک‌های صنعتی بیش از ۳ برابر اشتغال ایجادشده در مناطق آزاد می‌باشد (محمدی فرد و پناهی نیکی قشلاق، ۱۴۰۰). این در حالی است که مساحت منطقه آزاد چابهار، ۷۰۰ برابر منطقه آزاد شنزن چین است. اما ظرفیت تجاری بندر شنزن ۶۱ برابر منطقه آزاد چابهار است.

اهمیت و ضرورت پرداختن به بحث اداره و حکمروایی مناطق آزاد زمانی بیشتر می‌شود که به مقایسه عملکرد مناطق آزاد کشور و مناطق آزاد موفق دنیا بپردازیم و نقش حکمروایی مناطق را بر عملکرد آن‌ها موردبررسی قرار دهیم. بر اساس ادبیات موجود عوامل مؤثر بر عملکرد مناطق آزاد را می‌توان در سه دسته کلی: ۱) موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های موجود؛ ۲) ارزش پیشنهادی؛ ۳) الگوی اداره و قوانین و مقررات حاکم بر مناطق تقسیم کرد، که به‌جز دسته اول که به ظرفیت‌های ذاتی منطقه انتخاب‌شده به‌عنوان منطقه آزاد بستگی دارد، موارد بعدی به‌نوعی در الگوی حکمروایی مناطق دسته‌بندی می‌شوند، لازم به ذکر است که انتخاب محل مناطق آزاد نیز به‌نوعی به قوانین حاکم بر

تشکیل و اداره مناطق آزاد بازمی‌گردد که می‌تواند بخشی از حکمروایی مناطق باشد. همچنین با بررسی عملکرد مناطق آزاد کشور مشخص می‌شود که عمده این مناطق از اهداف پیش‌بینی‌شده فاصله زیادی دارند و این موضوع تأثیر «موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های موجود» را تا حد بسیار زیادی کاهش می‌دهد، چراکه نمی‌توان ادعا کرد که هیچ‌یک از مناطق آزاد کشور از موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک مناسبی برخوردار نبوده و ظرفیت‌های لازم را برای توسعه نداشته‌اند (Dorożyński et al., 2021). لذا الگوی اداره و قوانین و مقررات حاکم بر مناطق آزاد به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل در عدم توفیق این مناطق در کشور مطرح است که از مصادیق آن می‌توان به تعارضات بین بخشداری، شهرداری، سازمان محیط‌زیست و سازمان منطقه آزاد، تناقض میان قانون مناطق آزاد و مصوبات شوراهای میان بخشی، نبود تفاهم عمومی و اجماع ملی در پذیرش مناطق آزاد، تغییر ماهیت دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد، وجود تعارض منافع و تضاد در اهداف و کارکرد مناطق آزاد، نحوه تأمین مالی و درآمدزایی (مشفق، ۱۴۰۱)، عدم شفافیت در فرایندهای قانونی و نظارتی، فساد و بوروکراسی پیچیده اشاره کرد که می‌توانند موانع جدی برای سرمایه‌گذاران ایجاد کنند (Amodu, 2018). این مسائل نشان‌دهنده نیاز فوری به بهبود حکمروایی و ایجاد چارچوب‌های نظارتی قوی‌تر و شفاف‌تر در این مناطق است.

تحقیقات نشان می‌دهند که حکمروایی خوب می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود عملکرد مناطق آزاد داشته باشد. حکمروایی خوب شامل شفافیت، پاسخگویی، مشارکت ذی‌نفعان، و حاکمیت قوانینی است که می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری، افزایش بهره‌وری و توسعه پایدار کمک کند (Farole & Akinci, 2015). بررسی تجربیات موفق در کشورهای دیگر نیز نشان می‌دهد که حکمروایی کارآمد و شفاف می‌تواند بهبود چشمگیری در عملکرد اقتصادی این مناطق ایجاد کند (Zeng, 2010).

لذا با توجه به موارد مذکور پژوهش حاضر به دنبال گسترش ادبیات اداره مناطق آزاد با تأکید بر نظریه حکمروایی خوب و مشارکت تمام ذی‌نفعان در توسعه موفق این مناطق است. هدف از پژوهش حاضر شناخت ابعاد و مؤلفه‌های حکمروایی مناطق آزاد تجاری

صنعتی با رویکرد تحلیل مضمون قیاسی (پیشینه محور) و سطح‌بندی آن‌ها با مدل‌سازی ساختاری تفسیری است. بر این اساس سؤالات پژوهش حاضر بدین شرح است:

۱- مضامین مرتبط با موضوع حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی در ادبیات موضوع را چگونه می‌توان دسته‌بندی کرد؟

۲- سطح‌بندی مضامین حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی چگونه است؟

مبانی نظری

در این بخش در کنار ارائه تعاریف و ویژگی‌های مناطق آزاد به تاریخچه مختصر از تشکیل این مناطق پرداخته می‌شود و سپس مفهوم حکمروایی و حکمروایی خوب موردبررسی قرار گرفته و در نهایت به بیان مهم‌ترین یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر پرداخته می‌شود.

برای مناطق آزاد در ادبیات نظری تعاریف متعدد و ویژگی‌های گوناگونی ارائه شده است (Hutauruk et al., 2023). اما توجه به این نکته ضروری است که اگر منطقه‌ای به‌عنوان منطقه آزاد معرفی می‌شود، لزوماً دارای تمامی این صفات و ویژگی‌ها نیست (Alansary & Al-Ansari, 2023). چراکه مفاهیم و عباراتی که به‌وسیله کشورهای مختلف در تبیین مفهوم مناطق آزاد استفاده شده یکسان نبوده و به همین علت باوجود شباهت‌های نسبی موجود در مفاهیم، کشورهای مختلف اصطلاحات متفاوتی را برای منطقه آزاد مطرح کرده‌اند که برخی از آن‌ها شامل منطقه آزاد صادراتی، منطقه آزاد پردازش صادرات، منطقه پردازش صادرات، منطقه آزاد تجاری، منطقه آزاد تولیدی، منطقه توسعه سرمایه‌گذاری، منطقه آزاد، منطقه ویژه اقتصادی، منطقه بنگاهی مشترک، منطقه پردازش صادرات صنعتی، منطقه آزاد گمرکی، منطقه آزاد صنعتی، منطقه تجاری معاف از مالیات، منطقه معاف از مالیات، منطقه کارفرمایی مشترک، منطقه آزاد اقتصادی می‌باشد (Marandu et al., 2017).

منطقه آزاد تجاری بر اساس تعریف بانک جهانی، منطقه معینی است که عمدتاً در محدوده یک بندر یا به‌طور خاص در مجاورت آن قرار دارد که در این مناطق تجارت آزاد با نقاط مختلف جهان مجاز است. انواع کالاها را از این مناطق بدون پرداخت حقوق

و عوارض گمرکی می‌توان صادر یا به آن‌ها وارد کرد و همچنین می‌توان آن‌ها را برای مدت معینی در انبار نگهداری و در صورت نیاز اقدام به بسته‌بندی آن‌ها نموده و مجدداً از این مناطق صادر کرد (Buba & Wong, 2017). علاوه بر موارد فوق در مناطق آزاد امکان پردازش صادرات، امکانات و خدمات موردنیاز برای تولید و تبدیل مواد خام و کالاهای واسطه‌ای وارداتی به محصولات نهایی باهدف صادرات آن‌ها و در برخی موارد جهت فروش در بازار داخلی با پرداخت عوارض و حقوق گمرکی معمول برای تولیدکنندگان فراهم است. البته معمولاً مناطق آزاد تجاری صنعتی در راستای جذب سرمایه‌گذار خارجی و تسهیل استقرار آن‌ها از مشوق‌های دیگری نیز برخوردار هستند (افتخار جهرمی و رضوانی، ۱۳۹۵).

حکمروایی^۱ در فرهنگ لغت مترادف با حکومت، فرمانروایی، زمامداری، تدبیر و تمشیت امور، نظارت و اداره آورده شده است. حکمروایی به رابطه میان شهروندان و حکومت، هدایت کردن، راهنمایی کردن و در کنار هم نگه‌داشتن نیز اطلاق می‌شود (Alqooti, 2020). بانک جهانی حکمروایی را سنت‌ها و نهادهای اعمال قدرت در راستای مصلحت عمومی جامعه می‌داند. واژه حکمروایی با پسوندهای مختلفی از جمله شبکه‌ای، اشتراکی، بین‌المللی، ملی، شهری، محلی و... در حوزه‌های مختلف علمی بکار رفته است (واعظی و قیصرانی، ۱۳۹۸).

حکمروایی در قالب یک مفهوم، در زمینه‌های مختلف و از دیدگاه‌های متفاوتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و متشکل از سازوکارها، فرایندها، ارتباطات و نهادهای یکپارچه است که از طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌های اجتماعی ترجیحات خود را بیان کرده و درباره اختلافات و تفاوت‌های موجود در آرا و نظرات خود مذاکره می‌کنند و این فرایند زمینه آگاهی آن‌ها از حقوق، وظایف و تکالیفشان را فراهم می‌کند (Lupala, 2015). حکمروایی را می‌توان ترکیبی از سنت‌ها (آداب و رسوم و قواعد)، فرایندها و نهادهایی

۱ واژه Governance در فارسی به دو صورت «حکمرانی» و «حکمروایی» ترجمه شده است و در بسیاری موارد این دو واژه مترادف هم به کار می‌روند، هرچند واژه حکمرانی در مطالعات مصطلح‌تر بوده و کاربرد بیشتری داشته است، اما در مطالعه حاضر به دلیل اهمیت و تأکید بر روا بودن حکم در حکم‌راندن و پذیرش آن در جامعه از واژه حکمروایی استفاده شده است.

دانست که مشخص می‌کنند چگونه بایستی قدرت اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و اینکه چگونه در زمینه مباحث عمومی تصمیمات اتخاذ می‌شود (Weiss, 2012؛ سلمانی و همکاران، ۱۴۰۱). حکمروایی، با مشارکت حکومت، جامعه مدنی، فعالان حوزه اقتصادی و اجتماعی، نهادهای اجتماعی، گروه‌ها، رسانه‌ها و ... در سطوح مختلف بین‌المللی، ملی و محلی معنا می‌یابد (تابلی و همکاران، ۱۴۰۲؛ واعظی و همکاران، ۱۴۰۲).

زمانی که از مفهوم حکمروایی استفاده می‌گردد بایستی به دو نکته مهم توجه کرد؛ اول اینکه حکمروایی به‌عنوان یک مفهوم، بیان می‌کند که قدرت در خارج از نهادهای حکومت و اقتدار رسمی وجود دارد و به‌طور کلی شامل سه گروه اصلی از بازیگران دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی می‌شود و دوم آنکه حکمروایی بر فرایندها تأکید داشته و بیان می‌کند که تصمیمات عمدتاً با در نظر گرفتن روابط پیچیده بین کنشگران با سلاقی و اولویت‌های مختلف و گاهی متضاد، اتخاذ می‌شود (Tang, 2021). درواقع حکمروایی با تغییر پارادایم حاکم بر اداره امور عمومی، این مفهوم را به ارمغان آورد که نه تنها دولت‌ها تنها اداره‌کننده و حاکم جوامع نیستند، بلکه دولت‌ها برای ایجاد یک حکمروایی مطلوب، نیازمند نهادهای بخش خصوصی و نهادهای مدنی می‌باشند (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۸). درواقع بخش خصوصی و نهادهای مدنی به‌عنوان دو بازوی حکمروایی برای دولت هستند که اگر قواعد و روابط حاکم بر میان این سه نهاد به‌درستی تنظیم شود، می‌توان شاهد شکل‌گیری حکمروایی خوب بود (Bianchi et al., 2021). لذا کیفیت حکمروایی را می‌توان وابسته به یافتن الگو و ترکیب مناسبی برای همکاری و هماهنگی بین سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی دانست (Gjaltema et al., 2020).

در جدول ۱ مؤلفه‌های حکمروایی خوب از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف ارائه شده است که با بررسی دقیق این مؤلفه‌ها می‌توان فهمید که عواملی همچون شفافیت، پاسخگویی، عدالت، ثبات، کارایی و اثربخشی در تمامی تعاریف مشترک است و فقط در برخی موارد متناسب با رویکردها، تفاوت‌هایی وجود دارد. در پژوهش حاضر از رویکرد برنامه توسعه سازمان ملل متحد با هشت اصل پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری،

برابری و همه‌شمولی، کارآمدی و اثربخشی، حاکمیت قانون، مشارکت و اجماع (اتفاق نظر) گرایي استفاده شده است.

جدول ۱. مؤلفه‌های حکمروایی خوب از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف

مبدأ	ابعاد حکمروایی خوب
بانک توسعه آسیایی	ظرفیت‌سازی، پاسخگویی، مشارکت، شفافیت، قابلیت پیش‌بینی
بانک توسعه آفریقایی	پاسخگویی، مشارکت، شفافیت، مبارز با فساد، اصلاحات قانونی
کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در آسیا و اقیانوسیه (۲۰۰۲)	مشارکت، تساوی در برابر قانون، شفافیت، پاسخگویی، رضایت عمومی، برابری و اثربخشی، مسئولیت‌پذیری، دیدگاه راهبردی
کمیسیون مستقل حاکمیت خوب در خدمات دولتی با همکاری مشترک نهاد صاحب‌امتیاز مالیه و حسابداری دولتی و سازمان مدیریت دولتی لندن (۲۰۰۴)	نتیجه‌گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای نقش‌ها، شفاف‌سازی، ظرفیت‌سازی، پاسخگویی
کافمن و همکاران (۲۰۰۶)	پاسخگویی، ثبات سیاسی و دوری از خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت نظم‌دهنده، تساوی افراد در برابر قانون، کنترل فساد
بانک جهانی برگرفته از الگوی کافمن (۲۰۰۶)	پاسخگویی، ثبات سیاسی و دوری از خشونت، کارایی و اثربخشی حکومت، کیفیت مقررات تنظیمی، حاکمیت قانون، کنترل فساد
صندوق بین‌المللی پول	شفافیت، مشارکت، کارایی، عدالت، مالکیت، محاسبه‌پذیری
اتحادیه اروپا	خط‌مشی اقتصاد کلان، تخصیص کارآمد منابع، خط‌مشی توزیعی، کیفیت اداره عمومی
برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)	مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اجماع محوری، عدالت، اثربخشی و کارایی، پاسخگویی

منبع: (ره‌نورد و شناسان، ۱۳۹۴)

بوئینگر^۱ (۱۹۹۱) سه بعد برای حکمروایی را مطرح کرده که شامل بعد فنی، سیاسی و نهادی است و هارفام^۲ و بوئینگ^۳ (۱۹۹۷) بعد فرهنگی را به ابعاد فوق اضافه نموده است. بعد نهادی حکمروایی به ساختارها و نهادهای رسمی و غیررسمی که برای اجرای

1 Boeninger

2 Harpham

3 Boateng

سیاست‌ها و قوانین وجود دارند، مربوط می‌شود. داگلاس نورث^۱ (۱۹۹۰) معتقد بود که نهادها شامل قواعد، هنجارها و محدودیت‌هایی هستند که تعاملات اجتماعی را شکل می‌دهند و به کاهش هزینه‌های مبادلات کمک می‌کنند (North, 1990). همچنین، لویس^۲ به تأثیر نهادهای محلی و غیردولتی در تقویت حکمرانی اشاره دارد (Lewis, 2011). نهادهای شفاف و پاسخگو نه تنها اعتماد عمومی را افزایش می‌دهند، بلکه به کاهش فساد و افزایش کارایی در اجرای سیاست‌ها نیز کمک می‌کنند (الوانی و شمس، ۱۴۰۲). بعد سیاسی حکمروایی به تعاملات و توزیع قدرت بین بازیگران مختلف در یک نظام سیاسی اشاره دارد. این بعد شامل مشارکت سیاسی، شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون است (Acemoglu & Robinson, 2020).

بعد فرهنگی حکمروایی به ارزش‌ها، باورها، هنجارها و رفتارهای جامعه اشاره دارد که بر فرایندهای حکمروایی تأثیر می‌گذارد. این بعد شامل عواملی مانند سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و تنوع فرهنگی است (Putnam, 2020). سرمایه اجتماعی همچنین نقش مهمی در ایجاد اعتماد بین شهروندان و نهادهای حکومتی دارد و می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و تقویت انسجام اجتماعی منجر شود. بعد فنی حکمروایی به کارایی، کارآمدی و بهینه‌سازی فرایندها و سیستم‌های مدیریتی مربوط می‌شود.

ریچارد هیکس^۳ (۲۰۰۲) در کتاب «دولت بازسازی شده در عصر اطلاعات» به اهمیت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بهبود شفافیت، سرعت و دقت تصمیم‌گیری‌ها اشاره دارد (Heeks, 2002). همچنین، استفاده از داده‌های بزرگ و تحلیل داده‌ها در حکمروایی فنی اهمیت زیادی دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تحلیل داده‌ها می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری‌ها، پیش‌بینی روندها و شناسایی مشکلات کمک کند (Kitchin, 2020). داده محوری می‌تواند به ایجاد سیاست‌های دقیق‌تر و مؤثرتر منجر شود و به بهبود کارایی نهادهای حکومتی کمک نماید (Mergel et al., 2019).

در نهایت؛ با توجه اینکه تناسب الگوی حکمروایی با ابعاد نهادی، فنی، سیاسی و فرهنگی باتوجه به موقعیت جغرافیایی، فرهنگ، اقتصاد، و سیاست‌های محلی منطقه لازم

1 Douglass North

2 Lewis

3 Richard Heeks

است و این تطابق باعث می‌شود که حکمروایی منطقه‌ای به‌طور مؤثرتری بر رفاه و توسعه پایدار منطقه تأثیر بگذارد و نیازهای واقعی مردم را بیشتر برآورده کند، ارائه الگوی حکمروایی مناطق آزاد موضوعیت می‌یابد. تناسب الگوی حکمروایی منطقه‌ای با ابعاد نهادی به معنای این است که ساختارها، رویه‌ها، و نهادهای حکومتی موجود، با نیازها و واقعیت‌های منطقه سازگار باشند. این ابعاد شامل شفافیت، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی نهادی است که باید با ویژگی‌های منطقه همخوانی داشته باشد. تناسب با ابعاد فنی به معنای این است که منطقه باید از فناوری‌های موجود استفاده کند و سیستم‌های فنی خود را به‌گونه‌ای طراحی کند که به نیازهای محلی پاسخ دهد. این شامل استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، داده محوری و امنیت سایبری است. تناسب با ابعاد سیاسی به ایجاد سازوکارهایی برای مشارکت مردم و نهادهای محلی در فرایندهای تصمیم‌گیری مرتبط با حکمروایی منطقه‌ای اشاره دارد. این امر شامل توزیع قدرت، شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری و ایجاد سیستم‌های نظارتی است. تناسب با ابعاد فرهنگی به توجه به ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی مردم منطقه اشاره دارد. حکمروایی باید با فرهنگ و هویت محلی هماهنگ شود تا پذیرش و پیاده‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های حکومتی بهتر و مؤثرتر گردد.

پیشینه پژوهش

مطالعات تجربی صورت گرفته در حوزه مناطق آزاد را می‌توان به چهار دسته کلی به شرح ذیل تقسیم نمود که به برخی از آن‌ها در جدول ۲ اشاره شده است.

(۱) پژوهش‌های مرتبط با نقش و تأثیر ایجاد مناطق آزاد: تمرکز مطالعات صورت گرفته در این بخش به‌طور عمده بر زمینه‌های اثرگذاری مناطق آزاد بر توسعه، رفاه اجتماعی و توانمندسازی جامعه محلی در محدوده جغرافیایی مناطق آزاد و شهرهای اطراف است که از زمینه‌های مورد تأکید می‌توان به گردشگری، سیاست خارجی، جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و... اشاره کرد.

(۲) پژوهش‌های مرتبط با بررسی چالش‌ها، آسیب‌ها و عوامل موفقیت و توسعه مناطق آزاد: تمرکز مطالعات در این بخش عمدتاً بر عوامل مؤثر بر موفقیت مناطق آزاد بوده و در برخی موارد نیز در همین راستا به ارائه راهکارهای تقویت مناطق آزاد اشاره شده است. به‌طور

مثال طراحی الگوی جذابیت سرمایه‌گذاری، طراحی چارچوب رقابت‌پذیری و یا ارائه الگوی رقابت‌پذیری مناطق آزاد از جمله این موارد باشد. مسائل مربوط به مشکلات سیاست‌گذاری، عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و نظارتی، عدم وجود الگوی اداره مطلوب و عدم اجرای درست قانون از جمله مواردی است که در حوزه چالش‌ها اشاره شده و ارتباط مستقیمی با الگوی اداره و حکمروایی مناطق آزاد و موضوع مورد مطالعه در پژوهش حاضر دارد.

۳) پژوهش‌های مرتبط با بررسی ویژگی، توانمندی، قابلیت‌ها و عملکرد مناطق آزاد: مطالعات صورت گرفته در این بخش عمدتاً به بررسی عملکرد مناطق آزاد و رتبه‌بندی آن‌ها و یا مقایسه عملکرد مناطق آزاد داخلی و خارجی پرداخته‌اند.

۴) پژوهش‌های مرتبط با بررسی و مطالعه اداره مناطق آزاد: مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه بیشتر به ساختار اداره مناطق آزاد پرداخته و اداره به مفهوم جامع‌تر مدنظر نبوده است. اما در تعدادی از مطالعات خارجی که به‌طور خاص به حکمروایی و اداره مناطق آزاد در مفهومی جامع‌تر پرداخته شده، تأثیر حکمروایی مطلوب بر عملکرد مناطق آزاد مورد بررسی قرار گرفته و در پژوهشی دیگر به صورت کاملاً مشخص نیاز مناطق آزاد به حکمروایی مناسب با بررسی شواهدی از مناطق آزاد اندونزی، مورد تأکید قرار گرفته است.

جدول ۲. پیشنهاد پژوهش

عنوان پژوهش	نویسندگان	یافته‌ها
به‌سوی نسل جدیدی از مناطق ویژه اقتصادی: پایدار و رقابتی	ژان و همکاران (۲۰۲۰)	نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، درحالی‌که عملکرد این مناطق تاکنون به‌طور کلی کمتر از حد انتظار بوده است، ولی مناطق آزاد می‌توانند ابزار توسعه مؤثری برای کشورها باشند. آن‌ها می‌توانند صادرات، سرمایه‌گذاری و اشتغال کشورها را تقویت و همچنین توسعه صنعتی را تسهیل کرده و استانداردهای اجتماعی و زیست‌محیطی را ارتقا دهند.
تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر عملکرد حاکمیتی و اثرات سرریز آن‌ها در استان‌های چین	کو - چنگ کو و همکاران (۲۰۲۰)	نتایج تجربی این پژوهش نشان می‌دهد که استان‌های تحت مالکیت مناطق آزاد به دلیل افزایش شدید کارایی سرمایه‌گذاری‌شان، به کارایی کلی بهتری دست می‌یابند. در مقابل، کارایی کلی استان‌های غیر متعلق به منطقه ویژه اقتصادی تحت تأثیر روند کاهشی کارایی اقتصادی آن‌ها قرار می‌گیرد.

ادامه جدول ۲.

عنوان پژوهش	نویسندگان	یافته‌ها
جذب سرمایه‌گذاری با معرفی شهر به‌عنوان منطقه ویژه اقتصادی: چشم‌اندازی از موریس	اسلام و سیدنی جونز (۲۰۱۹)	در این پژوهش با در نظر گرفتن شهر به‌عنوان یک منطقه ویژه اقتصادی با سازوکارهای مالی مناسب برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه عمومی مطابق با دستورالعمل‌ها و اهداف تعیین‌شده توسط دولت یا نهادهای عمومی، یک ابزار سیاستی برای پرداختن به این موضوع پیشنهاد می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی، باید حد قابل قبولی از بازده اقتصادی مورد انتظار وجود داشته باشد که دستیابی به آن هنگام سرمایه‌گذاری در قلمرو عمومی دشوار است؛ چراکه چنین مناطقی در مالکیت عمومی هستند.
بررسی حاکمیت و چارچوب عملیاتی مناطق آزاد در نیجریه	آمودا (۲۰۱۸)	نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مناطق آزاد به هر نحوی که توصیف و یا نام‌گذاری شده باشند، حوزه‌های سیاسی انعطاف‌پذیری هستند که از لحاظ حقوقی جدا از سایر بخش‌های کشور میزبان تفسیر می‌شوند، اما انگیزه‌های قانونی، نظارتی و مالی مرتبطی با سایر مناطق کشور را به‌منظور حرکت به سمت صنعتی شدن دارند.
اصلاحات دولتی، حکومت عمومی و توسعه اقتصادی چین	تام لیئو (۲۰۱۷)	در این پژوهش رابطه بین مدیریت دولتی و توسعه اقتصادی با تمرکز بر بررسی اصلاحات دولتی و حکمرانی عمومی و تحلیل پیامدهای آن‌ها بر تجربه توسعه چین بررسی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تجارب چین شامل مواردی از اصلاحات خدمات ملکی، مقررات زدایی، مبارزه با فساد و فناوری اطلاعات بوده است.
سازوکار ارتقای حکمرانی و سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در ایران	غفاری فرد و همکاران (۱۴۰۲)	این پژوهش به بررسی مسائل و چالش‌های سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای پرداخته و راهکارهای ارتقای آن را پیشنهاد می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از میان شاخص‌های اصلی، بهترین راهکار به‌منظور ارتقای سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در ایران «طراحی سیستم‌های جامع نظارت در نظام برنامه‌ریزی بودجه کل دولت در راستای رصد توسعه و توازن منطقه‌ای و بررسی نحوه مصارف اعتبارات در استان‌ها» است.

ادامه جدول ۲.

عنوان پژوهش	نویسندگان	یافته‌ها
ارزیابی اثرات مناطق آزاد بر توسعه شاخص‌های اجتماعی (رفاه و امنیت) در مناطق شهری (مطالعه موردی: شهر چابهار)	میهن خواه و همکاران (۱۴۰۲)	این پژوهش اثرات مناطق آزاد را بر توسعه شاخص‌های اجتماعی رفاه و امنیت در شهر چابهار مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪ میان متغیر «منطقه آزاد تجاری - صنعتی» و ابعاد «رفاه اجتماعی» و «امنیت اجتماعی» وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون این پژوهش به شیوه گام‌به‌گام نشان می‌دهد که ۹۵٪ تغییرات متغیر وابسته «رفاه اجتماعی» و «امنیت اجتماعی» توسط متغیر مستقل «منطقه آزاد» تبیین می‌شود.
نسبت صلاحیت دستگاه‌های اجرایی با سازمان مناطق آزاد تجاری - صنعتی	تنگستانی و مرادی برلیان (۱۴۰۲)	نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قوانین فعلی اداره مناطق آزاد برای هماهنگی سازمان‌های مسئول این مناطق با دستگاه‌های اجرایی الگوی مناسبی را ارائه نمی‌دهند و قوانین فعلی «بند الف ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» به دلیل اینکه قادر به انطباق با اصول مدیریت دولتی و حقوقی اداری نمی‌باشند می‌بایست لغو گشته و بر اساس حکم صریح قانونی مقرر گردد که اعمال اختیارات سازمان‌های مسئول مناطق آزاد مانع اعمال صلاحیت‌های قانونی دستگاه‌های اجرایی مربوطه نبوده و برای ایجاد هماهنگی اجرایی میان نهادهای اجرایی با سازمان مسئول مناطق آزاد، شورایی مرکب از مدیر سازمان مسئول مناطق آزاد و مدیران نهادهای اجرایی در هر منطقه تشکیل گردد.
تبیین کارکردهای مناطق آزاد در نظام نوآوری ایران و اقتصاد دانش بنیان	سلطان زاده و همکاران (۱۴۰۱)	نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مناطق آزاد این پتانسیل را دارند که به عنوان «محیطی برای آزمون نوآوری»، «محلی برای آزمایش سیاست‌های نوآوری»، «انتقال‌دهنده دانش و فناوری»، «توسعه خوشه‌های نوآوری»، «تسهیل نوآوری برای شرکت‌های خارج از نظام نوآوری»، «شبکه‌سازی و همکاری‌های بین‌المللی» و «جذب سرمایه‌گذاری خطرپذیر خارجی» عمل نمایند.
آسیب شناسی مدل حکمرانی مناطق آزاد کشور	مشفق (۱۴۰۱)	این پژوهش ابهامات و اشکالات حکمرانی در مناطق آزاد و همچنین مهم‌ترین دلایلی که منجر به وضعیت فعلی این مناطق شده را مورد بررسی قرار داده و سپس الگوی مطلوب توسعه مناطق آزاد کشور و ملزومات مورد نیاز به منظور جذب سرمایه در این مناطق را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل «نبود تفاهم عمومی و اجماع ملی در پذیرش مناطق آزاد»، «تغییر ماهیت دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد»، «وجود

ادامه جدول ۲.

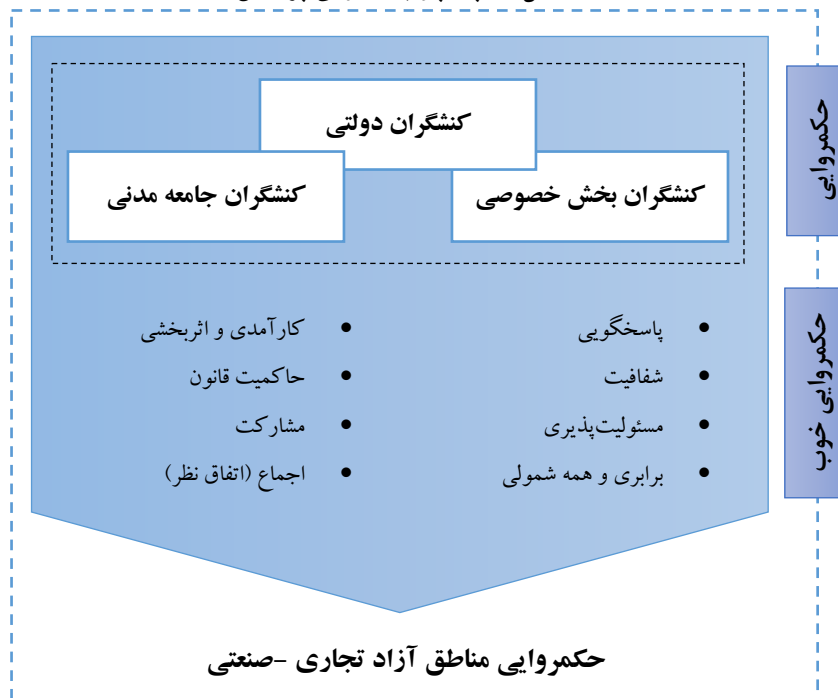
عنوان پژوهش	نویسندگان	یافته‌ها
		تعارض منافع و تضاد در اهداف و کارکردهای نظام حکمرانی مناطق آزاد، «عدم تفکیک مناطق مسکونی از مناطق آزاد»، «نبود طرح توجیهی و جامع به‌عنوان الزام اولیه در ایجاد مناطق آزاد»، «نحوه تأمین مالی و درآمدزایی»، «عدم به‌کارگیری الگوی توسعه سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد»، «وسعت زیاد و مکان‌یابی نادرست مناطق آزاد» و «عدم اولویت‌بندی در ایجاد زیرساخت‌ها در مناطق آزاد» برخی از عوامل اثرگذار بر نحوه مدیریت مناطق آزاد هستند. همچنین «متناسب نبودن معافیت‌های مالیاتی با شرایط اقتصادی کشور»، «نبود ثبات در قانون‌گذاری»، «خلأ قانونی در نظارت بر عملکرد مناطق آزاد»، ازجمله چالش‌های مربوط به قوانین و مقررات مناطق آزاد است.
الگوی نقش و ساختار حکمروایی محلی در نظام مدیریتی ایران	کاظمیان و همکاران (۱۳۹۸)	نویسندگان در این پژوهش به دنبال شناسایی و تبیین نقش‌های سطوح ملی و محلی، بازیگران و روابط ساختاری در حکمروایی محلی ایران هستند. نتایج این پژوهش حاکی از ۱۹ مقوله فرعی و شش مقوله اصلی در سه زمینه نقش‌های سطح ملی در حکمروایی محلی، نقش‌های سطح محلی در حکمروایی محلی و شکل و روابط ساختاری حکمروایی محلی و درنهایت شکل‌گیری الگوی نظری است.
آسیب‌شناسی شکل‌گیری حکمروایی محلی در ایران با روش نظریه داده بنیاد ساخت‌گرا	کاظمیان و همکاران (۱۳۹۸)	نویسندگان در این پژوهش به دنبال آسیب‌شناسی شکل‌گیری حکمروایی محلی در ایران هستند. نتیجه پژوهش ارائه الگوی نظری است که از ۳۰ مقوله فرعی جدید حاصل از کدگذاری محوری و ۸ مقوله اصلی حاصل از کدگذاری نظری در زمینه پتانسیل‌های موجود در شکل‌گیری حکمروایی محلی، محدودیت‌های موجود در شکل‌گیری حکمروایی محلی، زمینه استراتژی‌های شکل‌گیری حکمروایی محلی و عوامل زمینه‌ساز احصا شده است.

باتوجه به بررسی مطالعات صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت که پژوهش حاضر از نظر حوزه موضوعی مورد مطالعه و قلمرو مکانی دارای نوآوری بوده؛ چرا که مناطق آزاد را به صورت عام مورد بررسی قرار داده و متمرکز بر یک منطقه به عنوان مورد مطالعه نمی‌باشد. لازم به ذکر است که قانون تشکیل و چگونگی اداره مناطق آزاد در ایران نیز مناطق آزاد را به صورت عام در نظر گرفته و برای تمام مناطق شرایط یکسانی دارد. پژوهش‌های

صورت گرفته در حوزه مناطق آزاد و ویژه عمدتاً به آثار و منافع ایجاد مناطق آزاد و بررسی عملکرد آن‌ها پرداخته و در خصوص اداره این مناطق و شیوه حکمروایی مناسب مطالعات معدودی صورت گرفته که آن‌ها نیز بر یک منطقه آزاد متمرکز هستند. عمده مطالعات صورت گرفته در این حوزه توصیفی از وضعیت موجود مناطق آزاد بوده و در برخی موارد مقایسه‌ای با سایر کشورها صورت گرفته است؛ لذا پژوهش حاضر که به مدل حکمروایی در مناطق آزاد می‌پردازد در حوزه مطالعات صورت گرفته جدید بوده و دارای نوآوری است.

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر مطابق شکل ۱ از سه بخش حکمروایی، حکمروایی خوب و مناطق آزاد به‌عنوان بستر شکل‌گیری حکمروایی خوب تشکیل شده است. حکمروایی شامل کنشگران بخش دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی بوده و حکمروایی خوب بر اساس رویکرد انتخاب‌شده شامل هشت مؤلفه پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، کارآمدی و اثربخشی، حاکمیت قانون، مشارکت و اجماع‌گرایی می‌باشد.

شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش



روش

روش پژوهش حاضر اکتشافی و از نوع پژوهش‌های کاربردی است؛ زیرا نتایج آن جهت مدیریت بهینه‌تر حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی ایران کاربرد دارد. روش پژوهش حاضر آمیخته (کیفی - کمی) است.

برای پاسخ به سؤال «مضامین مرتبط با موضوع حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی در ادبیات موضوع را چگونه می‌توان دسته‌بندی کرد؟» در بعد کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون قیاسی پیشینه محور و با مبنا قرار دادن نظریه حکمروایی خوب در اسناد مکتوب، کتب، مقالات و قوانین، اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی پرداخته شده است. تحلیل مضمون قیاسی به این صورت است که محقق از پیش مفاهیم و مضامین خاصی را در ذهن دارد و با استفاده از این مفاهیم از پیش تعیین شده به تحلیل داده‌ها می‌پردازد. این روش معمولاً زمانی استفاده می‌شود که محقق بخواهد نظریه‌های موجود را بررسی کند یا توسعه دهد.

برای پاسخ به سؤال «سطح‌بندی مضامین حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی چگونه است؟» در بعد کمی با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، با استفاده از نظرسنجی از خبرگان که مشخصات آن‌ها در جدول ۳ ارائه شده است، به سطح‌بندی ابعاد پرداخته شده است. نمونه آماری در بخش کمی، شامل ۱۰ نفر از خبرگان و متخصصان مناطق آزاد جهت تکمیل پرسشنامه‌ها و سطح‌بندی ابعاد است. برای تعیین روایی از روایی صوری (تأیید کمیت و کیفیت سؤالات از نظر خبرگان و اساتید مرتبط با حوزه پژوهش) استفاده شده است. همچنین پایایی مدل ساختاری تفسیری با تکنیک سنجش نرخ سازگاری موردبررسی قرار گرفته است.

جدول ۳. مشخصات خبرگان پژوهش جهت تکمیل پرسشنامه در بخش کمی

ردیف	ویژگی	سابقه کاری	تعداد
۱	کارشناسان مناطق آزاد با مدارک کارشناسی به بالا	بالای ۱۰ سال	۳ نفر
۲	مدیران میانی و ارشد مناطق آزاد با تحصیلات کارشناسی به بالا	بالای ۱۰ سال	۳ نفر
۳	مدیران ارشد مناطق آزاد با تحصیلات ارشد و دکترا	بالای ۵ سال	۴ نفر
۴	تعداد کل خبرگان		۱۰ نفر

یافته‌ها

الف) بخش کیفی

در راستای پاسخ به سؤال «مضامین مرتبط با موضوع حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی در ادبیات موضوع را چگونه می‌توان دسته‌بندی کرد؟» با استفاده از مرور ادبیات تحقیق و پیشینه با مراجعه به پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و خارجی در ابتدای رویکردهای مختلف به حکمروایی خوب مورد شناسایی و بررسی قرار گرفت و در نهایت نظریه هشت مؤلفه‌ای حکمروایی خوب برنامه توسعه سازمان ملل متحد که شامل پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت پذیری، برابری و همه‌شمولی، کارآمدی و اثربخشی، حاکمیت قانون، مشارکت و اجماع (اتفاق نظر) گرای است، به عنوان نظریه هدایت کننده انتخاب و کدگذاری متون بر اساس آن انجام شده است.

تحلیل مضمون قیاسی که به ویژگی‌های اصلی آن در جدول ۴ اشاره شده است، مبتنی بر نظریه است و عمده داده‌ها را در محدوده یک یا چند چارچوب نظری بررسی می‌کند. این رویکرد از نظریه موجود برای شکل دادن به نحوه شناسایی و تجزیه و تحلیل مضامین استفاده می‌کند. ایده این است که از چارچوب‌های از قبل موجود به عنوان یک لنز برای تفسیر داده‌ها در یک رویکرد «بالا به پایین» استفاده شود و از ابتدا یک دیدگاه ساختاریافته ارائه شود.

جدول ۴. دو رهیافت اصلی در تحلیل مضمون کیفی

انواع تحلیل مضمون کیفی	شروع تحقیق با	تعریف کدها یا مقولات	منبع کدها یا مقولات
تحلیل مضمون استقرایی	مشاهده	در فرایند تحلیل داده‌ها	استخراج کدها از داده‌ها
تحلیل مضمون قیاسی	نظریه	تعریف کدها پیش از تحویل و در خلال آن	استخراج کدها از نظریه و یا یافته‌های تحقیقی

منبع: (تبریزی، ۱۳۹۳)

تحلیل مضمون قیاسی از نقطه شروع توسط کدها یا مضامین از پیش تعیین شده‌ای هدایت می‌شود که از نظریه‌های موجود یا چارچوب مفهومی محقق سرچشمه می‌گیرند. درواقع در یک رویکرد قیاسی، فرایند کدگذاری اولیه توسط چارچوب نظری محقق شکل می‌گیرد. کدها قبل از درگیر شدن با داده‌ها، بر اساس مفاهیم به دست آمده از نظریه‌ها یا

مطالعات قبلی تعریف می‌شوند. در پژوهش حاضر ۸ مؤلفه نظریه حکمروایی خوب به‌عنوان نقطه شروع و هدایت‌کننده مطالعه مدنظر بوده است. تجزیه و تحلیل پیشینه پژوهش با استفاده از این ۸ مؤلفه صورت گرفت و عبارات معنایی متناسب با هریک از مؤلفه‌ها شناسایی و سپس مضامین پایه شکل گرفته و در نهایت مضامین پایه در قالب مضامین سازمان‌دهنده (هشت مؤلفه حکمروایی خوب) دسته‌بندی شده است. برخی از مضامین پایه به همراه عبارات معنایی مستخرج از متون در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. مروری بر برخی از مضامین پایه به همراه عبارت معنایی مستخرج از متون

عبارت معنایی	مضمون پایه
توافق جمعی در خصوص اهداف و برنامه‌های مناطق آزاد و رفع شکاف‌های موجود می‌تواند دوگانگی (رفتارهای دوگانه) دستگاه‌های محلی را کاهش دهد، چراکه دستگاه‌های محلی گاهی میان مصالح محلی و دستورات ملی (رضایت مافوق) ناچار به انتخاب هستند.	توافق جمعی در خصوص اهداف و برنامه‌های مناطق
بایستی مناطق آزاد، بخش جدایی‌ناپذیر یک استراتژی توسعه بلندمدت باشند. استراتژی‌های توسعه مناطق باید به‌طور کامل در سیاست‌های توسعه ملی و یا منطقه‌ای و استراتژی‌های توسعه اقتصادی ادغام شوند.	تبیین نقش مناطق در برنامه‌های توسعه ملی
تخصیص بهینه و عادلانه منابع برای افزایش بهره‌وری و رفاه بهره‌برداران مناطق آزاد و جامعه محلی	تخصیص بهینه و عادلانه منابع
مناطق نیز باید تعادل خوبی بین توسعه صنعتی و توسعه اجتماعی / شهری برقرار کنند. برنامه‌های منطقه در صورتی موفق خواهند بود که در ارائه فرصت‌ها به اشتغال باکیفیت، کارکنان آموزش‌دیده، پایداری زیست‌محیطی و... توجه داشته باشند.	ایجاد تعادل بین توسعه صنعتی، اجتماعی و شهری
عملکرد مقامات نباید به‌طور کامل توسط مقامات ارشد اجرایی آن‌ها مانند سیستم پرسنل فعلی ارزیابی شود؛ باید راه‌های متعددی برای ارزیابی عملکرد مقامات وجود داشته باشد تا مقامات بتوانند با خدمت به منافع حوزه‌های انتخابیه خود و نه فقط مدیران اجرایی خود، حرفه خود را پیش ببرند.	توسعه سازوکار ارزیابی عملکرد مقامات محلی
اعمال قوانین موجود و در وهله بعدی اصلاح و بازنگری در سازوکار قانونی	اعمال قوانین موجود
مناطق آزاد باید از چارچوب‌های قانونی و نهادی قوی برخوردار باشند. یک چارچوب قانونی و نظارتی قابل پیش‌بینی و شفاف می‌تواند به اطمینان از وضوح نقش‌ها و مسئولیت‌های طرفین (ذی‌نفعان) مختلف کمک کند و حفاظت و اطمینان را برای توسعه‌دهندگان و سرمایه‌گذاران فراهم کند.	بهره‌گیری از چارچوب‌های قانونی و نهادی قوی

ادامه جدول ۵.

مضمون پایه	عبارت معنایی
دسترسی آزاد به اطلاعات	دسترسی آزاد به اطلاعات معتبر توسط تمامی ذی‌نفعان و جامعه محلی، از عملکرد و تصمیمات مدیران مناطق
ایجاد محیط شفافیت و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاران	بسیاری مناطق آزاد در دنیا از هماهنگی ضعیف سیاست‌های تجاری و عدم موفقیت در ایجاد یک محیط سیاسی که اعتماد به شفافیت و پیش‌بینی را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند، رنج می‌برند.
تخصص‌گرایی در انتصابات	فرایندهای سیاسی و جناحی در تصدی پست‌های مدیریتی یکی از مهم‌ترین عوامل عدم کارایی مناطق و بدبینی جوامع محلی به آن‌هاست.
بازنگری در ساختار دبیرخانه مناطق آزاد	ساختار مدیریتی مناطق آزاد دستخوش تحولات زیادی شده است. دبیرخانه مناطق آزاد که سابقاً با تعداد محدودی از افراد اداره می‌شد، در حال حاضر بسیار بزرگ و پرتراکم شده است و با حدود ۳۰۰۰ نفر اداره می‌شود. مشخص نیست که دلیل استخدام این تعداد نیرو در این سازمان چیست.
هدف‌گذاری تخصصی متناسب با مزیت نسبی مناطق	یکی از ریشه‌های ناکارآمدی مناطق آزاد قانون‌گذاری و هدف‌گذاری یکسان برای تمام مناطق آزاد بدون توجه به شرایط جغرافیایی و مزیت‌های اقتصادی است. این در حالی است که در کشورهای دنیا تأسیس مناطق آزاد دنیا با تمرکز بر اهداف مشخصی صورت می‌گیرد.
توجه به مسائل زیست‌محیطی	مناطق آزاد بایستی مقررات زیست‌محیطی خاص منطقه را تهیه نمایند و زیرساخت‌های موردنیاز این حوزه از جمله سیستم تصفیه‌خانه، جمع‌آوری و تصفیه پسماندها، سیستم فاضلاب پیشرفته و... داشته باشند، تا ورود کسب‌وکارهای مختلف آسیبی برای محیط‌زیست این مناطق به همراه نداشته باشد.
بسترسازی قانونی و اجتماعی مشارکت حداکثری	بسترسازی قانونی و اجتماعی مشارکت حداکثری جامعه محلی در تمامی مراحل تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی امور مربوط به مناطق و تفویض قدرت مؤثر اقتصادی - سیاسی به آن‌ها.
مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها	مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها اثرات مثبت زیادی به دنبال دارد. مشارکت شهروندان می‌تواند به صورت نظارت سیاسی و یا به صورت اجتماعی تحقق پذیرد.
بهره‌گیری از ظرفیت انجمن‌های مدنی و سازمان‌های غیرانتفاعی	در مناطق آزاد، شکاف‌های بسیاری در ارائه خدمات اجتماعی و شهری وجود دارد که به اندازه کافی توسط دولت‌ها اداره نمی‌شوند؛ انجمن‌های مدنی و سازمان‌های غیرانتفاعی به طور بالقوه می‌توانند این شکاف‌ها را پر کنند.

در نهایت ۸۹ مضمون پایه در قالب ۸ مضمون سازمان‌دهنده حکمروایی مناطق آزاد تجاری مطابق جدول ۶ دسته‌بندی گردید.

جدول ۶. مضامین پایه و سازمان‌دهنده مستخرج از ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
اجماع (اتفاق نظر) گرای	مشارکت جامعه محلی و شهروندان در کنار دولت و بخش خصوصی
	بازتعریف نقش کنشگران محلی و تأکید بر تصمیم‌گیری جمعی
	افزایش فعالیت سیاسی و اجتماعی ساکنان مناطق
	تحلیل دقیق تأثیرات، پیامدها و برون داده‌های سیاست‌ها بر تمامی بازیگران
	درگیر سازی تمامی ذی‌نفعان در نظام حکمروایی منطقه
	تسهیلگری در حوزه حل تعارضات
	توافق جمعی در خصوص اهداف و برنامه‌های مناطق
	تبیین نقش مناطق در برنامه‌های توسعه ملی
برابری و همه‌شمولی (عدالت محوری)	تخصیص بهینه و عادلانه منابع
	کنترل فساد
	ایجاد تعادل بین توسعه صنعتی، اجتماعی و شهری
	توجه به مسائل حوزه نیروی کار
حاکمیت قانون	تقویت سیستم نظارتی و سیاست‌گذاری
	اعمال قوانین موجود
	رفع ابهامات قوانین مناطق
	توسعه سیستم نظارتی کاربردی
	ایجاد چارچوب سیاستی و قانونی قوی
	جلوگیری از اقدامات سلیقه‌ای در اجرای قوانین و تعهدات
	بهره‌گیری از چارچوب‌های قانونی و نهادی قوی
شفافیت	رفع ابهام از نقش کنشگران در نظام حکمروایی مناطق
	دسترسی آزاد به اطلاعات
	توسعه زیرساخت‌های مرتبط با مرکز داده
	خلق ظرفیت هوشمند سازی در مناطق
	تبیین دقیق نقش و جایگاه مناطق آزاد و تأمین الزامات
	تبیین روشن و شفاف نقش مناطق در برنامه‌های توسعه
	تبیین دقیق وظایف مقامات ملی و محلی
	ایجاد محیط شفافیت و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاران

ادامه جدول ۶.

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
کارآمدی و اثربخشی	تخصیص گرایی در انتصابات
	تخصیص بهینه منابع و زیرساخت به تولید
	بازنگری در ساختار دبیرخانه مناطق آزاد
	هدف‌گذاری تخصصی متناسب با مزیت نسبی مناطق
	توسعه زیرساخت‌های مناطق
	ایجاد بستر هوشمند توزیع منابع
	تقویت زیرساخت‌های شبکه‌های تولید بین‌المللی
	ایجاد مشوق‌های مالی و تأمین سرمایه نوآورانه
مسئولیت‌پذیری	توانمندسازی جوامع محلی
	توجه به توسعه پایدار
	آموزش و توسعه جامعه محلی
	تمرکززدایی و تفویض اختیار
	تمرکززدایی و تغییر رویکرد بالابنه‌پایین
	توجه به مسائل زیست‌محیطی
	حرکت به سمت سیاست‌گذاری پایدار در مناطق
	توانمندسازی جامعه محلی و نهادهای مردمی
مشارکت	بسترسازی قانونی و اجتماعی مشارکت حداکثری
	تقویت دموکراسی مشارکت‌جویانه
	مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها
	حمایت از شکل‌گیری نهادهای و تشکلهای مردمی
	ایجاد زیرساخت جمع‌سپاری
	توسعه سازوکارهای مشارکت الکترونیک
	بهره‌گیری از ظرفیت انجمن‌های مدنی و سازمان‌های غیرانتفاعی
	جلب حمایت جوامع محلی
پاسخگویی	توسعه زیرساخت‌های حفاظت از محرمانگی داده‌ها
	تقویت نهادهای ناظر و ایجاد ناظر مستقل تخصصی
	نظارت بر نهادهای مقررات‌گذار و جلوگیری از فساد
	تشکیل هیئت نظارت مستقل بر عملکرد مناطق
	توسعه چارچوب نظارتی و ارزیابی عملکرد مناطق
	پاسخگو ساختن مناطق در سطح ملی
	توسعه سازوکار ارزیابی عملکرد مقامات محلی

ب) بخش کمی

در این بخش برای پاسخ به سؤال «سطح‌بندی مضامین حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی چگونه است؟» و مشخص شدن روابط و سطح‌بندی بین ابعاد حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی پس از شناخت ابعاد از ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون قیاسی، به سطح‌بندی ابعاد حکمروایی با مدل‌سازی ساختاری تفسیری پرداخته می‌شود.

گام ۱) شناسایی متغیرهای مرتبط با مسئله: پس از شناخت ابعاد حکمروایی مناطق آزاد در بخش قبل که شامل پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، برابری و همه‌شمولی، کارآمدی و اثربخشی، حاکمیت قانون، مشارکت و اجماع (اتفاق‌نظر) گرایی بود، پرسش‌نامه‌ای طراحی و پس از تأیید روایی و پایایی آن میان ۱۰ نفر از خبرگان جهت مشخص نمودن روابط و سطح‌بندی آن‌ها توزیع گردید.

گام ۲) تشکیل ماتریس خود تعاملی: این ماتریس شامل ابعاد متغیرهاست که در سطر و ستون اول آن متغیرهای مسئله به ترتیب ذکر شده‌اند و به شرح ذیل روابط دویه‌دوی متغیرها مشخص می‌شوند:

V: عامل سطر i می‌تواند زمینه‌ساز رسیدن به عامل ستون j باشد.

A: عامل ستون j می‌تواند زمینه‌ساز رسیدن به عامل سطر i باشد.

X: بین عامل سطر i و عامل j ارتباط دوجانبه وجود دارد. به عبارتی هر دو می‌توانند زمینه‌ساز رسیدن به همدیگر شوند.

O: هیچ ارتباطی بین این دو عنصر i و j وجود ندارد.

در این مرحله از خبرگان خواسته شد که با استفاده از نمادهای فوق، نوع ارتباطات دویه‌دوی عوامل را مشخص کنند. درنهایت روابط به دست آمد در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. ماتریس خود تعاملی ساختاری

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
پاسخگویی		V	V	V	X	X	V	X
شفافیت			A	O	O	O	O	O
مسئولیت پذیری				O	O	V	V	V
برابری و همه شمولی					A	A	O	V
کارآمدی و اثربخشی						X	O	A
حاکمیت قانون							O	A
مشارکت								O
اجماع (اتفاق نظر) گرایی								

گام ۳) ایجاد ماتریس دسترسی اولیه: از طریق تبدیل نمادهای (A,V,X,O)، به اعداد صفر و یک برای هر متغیر، ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دودویی تبدیل می-گردد که به اصطلاح ماتریس دسترسی اولیه خوانده می شود. قوانین تبدیل این نمادها به اعداد صفر و یک به شرح ذیل است:

اگر نماد خانه ij حرف V باشد، آن خانه عدد ۱ و خانه قرینه عدد صفر می شود.
 اگر نماد خانه ij حرف A باشد، آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه عدد ۱ می شود.
 اگر نماد خانه ij حرف X باشد، آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه نیز عدد ۱ می شود.
 اگر نماد خانه ij حرف O باشد، آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه نیز عدد صفر می شود.
 جدول ۸ ماتریس دسترسی اولیه پژوهش حاضر را نشان می دهد.

جدول ۸. ماتریس دسترسی اولیه

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
پاسخگویی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
شفافیت	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مسئولیت پذیری	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱
برابری و همه شمولی	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰
کارآمدی و اثربخشی	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱
حاکمیت قانون	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰
مشارکت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰
اجماع (اتفاق نظر) گرایی	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱

گام ۴) ایجاد ماتریس دسترسی نهایی: پس از آن که ماتریس دسترسی اولیه به دست آمد، با وارد نمودن انتقال پذیری در روابط متغیرها، ماتریس دسترسی نهایی به دست می آید. نتیجه را می توان در جدول ۹ مشاهده نمود. در این جدول اعداد دارای علامت * نشان می دهد که این اعداد در ماتریس دسترسی اولیه صفر بوده و پس از سازگاری عدد ۱ گرفته اند.

جدول ۹. ماتریس دسترسی نهایی

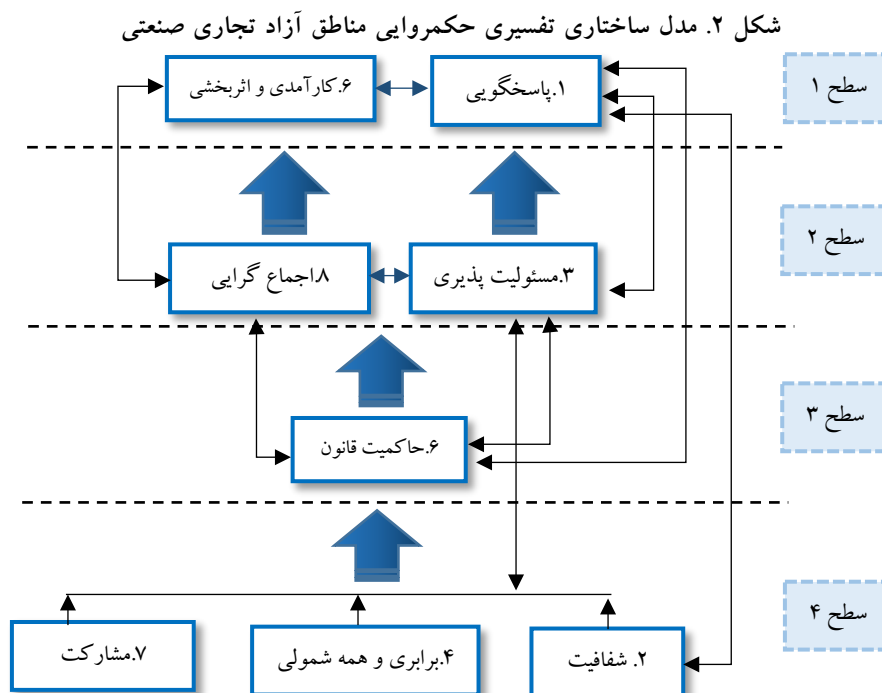
عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	نفوذ
پاسخگویی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
شفافیت	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
مسئولیت پذیری	۱*	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱	۸
برابری و همه شمولی	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱
کارآمدی و اثربخشی	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱*	۱	۸
حاکمیت قانون	۱	۱*	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۵
مشارکت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
اجماع (اتفاق نظر) گرایی	۱	۱*	۱*	۱	۱*	۱	۱*	۱	۸
وابستگی	۵	۶	۴	۶	۵	۵	۵	۴	

گام ۵) بخش بندی سطح: در این گام، ماتریس دسترسی به سطوح مختلف دسته بندی می شود. با استفاده از ماتریس های دسترسی نهایی، مجموعه خروجی و ورودی برای هر بعد به دست می آید. جدول ۱۰، تعیین سطوح عامل ها را نشان می دهد.

جدول ۱۰. تعیین سطح متغیرها

سطح	مجموعه دستیابی (اثرگذاری یا خروجی ها)	مجموعه پیش نیاز (اثرپذیری یا ورودی ها)	اشتراک
پاسخگویی	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸	۱،۳،۵،۶،۸	۱،۳،۵،۶،۸
شفافیت	۲	۱،۲،۳،۵،۶،۸	۲
مسئولیت پذیری	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸	۱،۳،۵،۸	۱،۳،۵،۸
برابری و همه شمولی	۴	۱،۳،۴،۵،۶،۸	۴
کارآمدی و اثربخشی	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸	۱،۳،۵،۶،۸	۱،۳،۵،۶،۸
حاکمیت قانون	۱،۲،۴،۵،۶	۱،۳،۵،۶،۸	۱،۵،۶
مشارکت	۷	۱،۳،۵،۷،۸	۷
اجماع (اتفاق نظر) گرایی	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸	۱،۳،۵،۸	۱،۳،۵،۸

گام ۶) ترسیم مدل: با توجه به سطوح متغیرها و ماتریس دسترسی نهایی (جدول ۹ و ۱۰)، ترسیم می‌گردد. به همین ترتیب متغیرها بر حسب سطح آن‌ها از بالا به پایین تنظیم می‌شوند. در تحقیق حاضر ابعاد در ۴ سطح قرار گرفته‌اند. شکل ۲، مدل ساختاری تفسیری حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی را نشان می‌دهد.



در بنیادی‌ترین سطح این مدل (سطح چهارم)، ابعاد شفافیت، برابری و همه‌شمولی و مشارکت قرار گرفته است که همانند سنگ بنای مدل عمل می‌کنند و جزء تأثیرگذارترین عوامل بوده و برای تحقق حکمروایی خوب در مناطق آزاد تجاری صنعتی بایستی از این عوامل شروع شود. در سطح سوم حاکمیت قانون و در سطح دوم مسئولیت‌پذیری و اجماع‌گرایی قرار دارند که بر عوامل سطح اول تأثیرگذار بوده و از عوامل سطوح پایین‌تر مدل تأثیر می‌پذیرند. در نهایت در سطح اول عوامل پاسخگویی و کارایی و اثربخشی قرار گرفته‌اند که جزء تأثیرپذیرترین عوامل حکمروایی خوب مناطق دسته‌بندی می‌شوند. عوامل قرار گرفته در سطح اول مدل نشان‌دهنده ماحصل اقداماتی است که منجر به بهبود

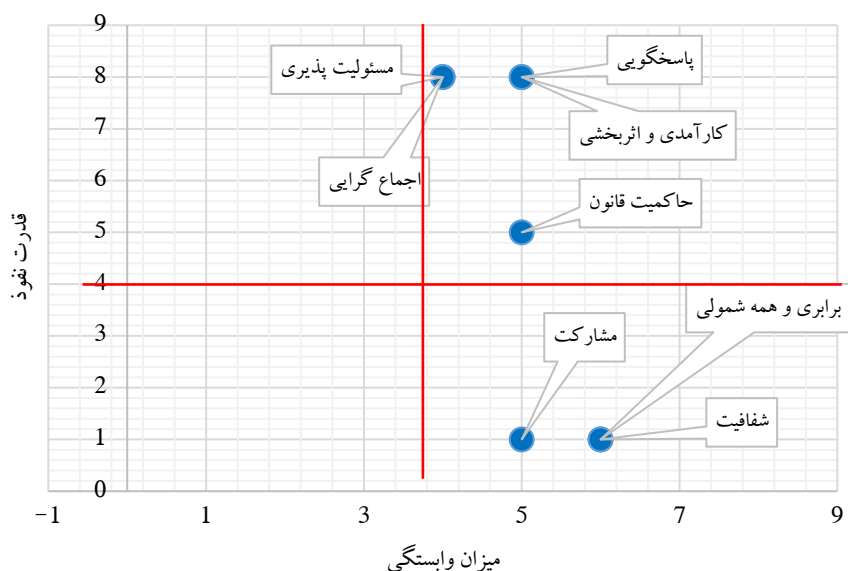
حکمروایی مناطق آزاد می‌شوند و سطوح دوم تا چهارم هم نشان‌دهنده اقدامات اساسی و زیربنایی است که بایستی در راستای بهبود حکمروایی مناطق آزاد مدنظر قرار داده شود. در ادامه نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی ارائه شده است. در جدول ۱۱ عوامل حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی (مضامین اصلی)، برحسب قدرت نفوذ و وابستگی به چهار دسته عوامل پیوندی، مستقل، وابسته و خودمختار تقسیم می‌شوند. جدول ۱۱ درجه قدرت نفوذ و وابستگی عوامل مدل پژوهش را طبق نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. درجه قدرت نفوذ و وابستگی عوامل

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
میزان وابستگی	۵	۶	۴	۶	۵	۵	۵	۴
قدرت نفوذ	۸	۱	۸	۱	۸	۵	۱	۸

شکل ۳ خوشه‌بندی عوامل حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی را به روش تحلیل میک‌مک نشان می‌دهد.

شکل ۳. خوشه‌بندی ابعاد حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی به روش تحلیل میک‌مک



بر اساس تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی، عوامل پاسخگویی، کارآمدی و اثربخشی و حاکمیت قانون در ناحیه پیوندی قرار دارند و به این معنی است که هم از نظر قدرت نفوذ و هم وابستگی در سطح بالایی قرار دارند و حاکی از این است که این متغیرها می‌توانند در صورت تغییر وضعیت بر سایر متغیرها اثرگذار باشند و در این حال تحت عنوان بازخورد می‌توانند مستقل از سایر عوامل باشند، این عوامل به دلیل پیچیدگی و تأثیرات متقابل، نیازمند مدیریت ریسک قوی هستند و تغییرات در این ابعاد باید با دقت و درک کامل از پیامدها اعمال شود، زیرا می‌تواند تأثیرات غیرمنتظره‌ای بر سایر ابعاد داشته باشد.

متغیرهای شفافیت، مشارکت و برابری و همه‌شمولی در ناحیه وابسته قرار گرفته‌اند، این عوامل تأثیرگذاری پایین اما تأثیرپذیری بالایی دارند و تغییر در این عوامل بیشتر حاصل ایجاد تحول در سایر عوامل است؛ لذا این ابعاد نیاز به حمایت و گاهی اقدامات حفاظتی برای جلوگیری از تغییرات منفی دارند.

متغیرهای مسئولیت‌پذیری و اجماع‌گرایی که نزدیک به بخش مستقل هستند و از قدرت نفوذ بالایی برخوردار بوده و درعین حال وابستگی زیادی به سایر عوامل ندارند. این عوامل باید با دقت مدیریت شوند، زیرا تغییرات در آنها می‌تواند تغییرات بزرگی در نظام حکمروایی مناطق ایجاد کند، اما درعین حال این عوامل ابزارهای کلیدی برای هدایت سیستم به سمت اهداف موردنظر هستند.

درنهایت قرار نگرفتن هیچ‌یک از عوامل در بخش خودمختار به این معنی است که تمامی عوامل به‌نوعی در سیستم تأثیرگذار هستند. در چنین سیستمی هرگونه تصمیم‌گیری بایستی با دقت و با درک کامل از روابط متقابل بین متغیرها انجام شود و نمی‌توان به راحتی برخی از متغیرها را نادیده گرفت یا از تحلیل‌ها حذف کرد، زیرا ممکن است این متغیرها در بخشی از سیستم تأثیراتی داشته باشند که در ابتدا نامشهود بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی در کشور و چالش‌های موجود در این حوزه، پژوهش حاضر با شناسایی مضامین مرتبط با حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی در ادبیات موضوع، اسناد مکتوب و قوانین و

دسته‌بندی آن‌ها بر اساس نظریه حکمروایی خوب و سطح‌بندی عوامل با استفاده از رویکرد ساختاری تفسیری، به دنبال ارائه مدل حکمروایی مناطق آزاد تجاری صنعتی بوده است؛ لذا پس از مرور ادبیات تحقیق و پیشینه با مراجعه به پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و خارجی، رویکرد هشت مؤلفه‌ای حکمروایی خوب برنامه توسعه سازمان ملل متحد که شامل پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، برابری و همه‌شمولی، کارآمدی و اثربخشی، حاکمیت قانون، مشارکت و اجماع (اتفاق نظر) گرایی است، به عنوان نظریه هدایت‌کننده انتخاب و کدگذاری متون بر اساس آن انجام و در نهایت سطح‌بندی ابعاد حکمروایی با مدل‌سازی ساختاری تفسیری صورت گرفت.

نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر با مطالعه محمودی و همکاران (۱۳۹۲) که باهدف محاسبه ضرایب و وزن هریک از شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران صورت گرفته و به ترتیب سه شاخص پاسخگویی، حق اظهار نظر و عدالت اجتماعی را دارای بیشترین وزن و مهم‌ترین عوامل اعمال حکمرانی خوب در ایران دانسته، هم‌خوانی دارد. همچنین نتایج حاصله با نتایج پژوهش ضیائی و اردکانی (۱۳۹۹) که باهدف ارائه چارچوبی برای سطح‌بندی متغیرهای حکمرانی خوب در توسعه مقصدهای گردشگری صورت گرفته، و حاکی از آن است که متغیرهای شفافیت و حقوق مساوی در پایین‌ترین سطح مدل قرار گرفته‌اند و مؤثرترین متغیرها هستند و باید در مرکز توجه مدیران قرار بگیرند، نیز هم‌خوانی دارد. در نهایت قرار گرفتن شفافیت و برابری و همه‌شمولی در پژوهش حاضر در زیربنایی‌ترین سطح با نتایج پژوهش شمس و هاشمی بیستونی (۱۳۹۸) که به بررسی و اولویت‌بندی حکمروایی خوب شهری در بیستون پرداخته‌اند، و شفافیت را در رتبه نخست و عدالت را در رتبه دوم قرار داده‌اند، هم‌خوانی دارد.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که در بنیادی‌ترین سطح مدل (سطح چهارم)، ابعاد شفافیت، برابری و همه‌شمولی و مشارکت قرار گرفته است که همانند سنگ بنای مدل عمل می‌کنند و برای تحقق حکمروایی مطلوب مناطق آزاد تجاری صنعتی بایستی از این عوامل شروع شود. در راستای تحقق این ابعاد اقدامات زیر می‌تواند مفید واقع شود: ایجاد سامانه‌های شفافیت مالی و اطلاعاتی که اطلاعات مربوط به هزینه‌ها، درآمدها و قراردادهای را به صورت آنلاین و به روزرسانی شده در دسترس عموم قرار دهد؛ تقویت نظارت عمومی

و رسانه‌ای از طریق ارائه امکانات لازم برای گزارشگری تخلفات و فساد از طریق ایجاد واحدهای نظارتی مستقل و فراهم کردن بستر مناسب برای رسانه‌ها و خبرنگاران؛ تصویب و اجرای قوانین ضد تبعیض و ایجاد فرصت‌های برابر برای تمامی گروه‌های اجتماعی و اقتصادی و به‌طور خاص رفع تبعیض‌های جنسیتی، قومیتی و اقتصادی؛ توانمندسازی جوامع محلی از طریق آموزش و ارتقای مهارت‌های افراد جامعه با تمرکز بر گروه‌های آسیب‌پذیر و حاشیه‌نشین؛ استفاده از فناوری‌های نوین مانند بلاک چین برای مدیریت و رصد تراکنش‌ها و فرایندهای مالی با ارائه راهکارهای امن، غیرقابل دست‌کاری و اطمینان‌بخش به کاربران و ذی‌نفعان؛ ایجاد سازوکارهای مشخص برای پاسخگویی مسئولین و مدیران به مردم و ذی‌نفعان شامل سازوکارهای گزارش دهی، ارزیابی و بازخورد مستمر.

در سطح سوم حاکمیت قانون و در سطح دوم مسئولیت‌پذیری و اجماع‌گرایی قرار دارد. در راستای تحقق این ابعاد پیشنهادات زیر می‌تواند مؤثر واقع گردد: تقویت چارچوب‌های قانونی و نظارتی باهدف اطمینان از اجرای صحیح قوانین و مقررات شامل بهبود قوانین موجود و ایجاد نهادهای نظارتی مستقل برای نظارت بر اجرای قوانین؛ ارتقای شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری از طریق انتشار اطلاعات و مستندات مربوط به تصمیمات مهم و قراردادهای شامل دسترسی عمومی به اطلاعات کلیدی و فراهم کردن فرصت برای نظارت عمومی؛ ایجاد سازوکارهای پاسخگویی و ارزیابی عملکرد برای مدیران و مسئولان مناطق آزاد شامل گزارش دهی مستمر، ارزیابی عملکرد و اعمال اقدامات تنبیهی مناسب در صورت بروز تخلفات؛ تقویت مشارکت عمومی و اجماع‌گرایی از طریق برگزاری جلسات مشورتی، ایجاد کمیته‌های مشورتی و استفاده از ابزارهای دیجیتال برای جمع‌آوری نظرات و پیشنهادهای عمومی به‌گونه‌ای که تمامی ذی‌نفعان بتوانند در آن شرکت کنند و نظرات خود را بیان کنند؛ توانمندسازی نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی از طریق ارائه آموزش‌ها و منابع لازم برای این نهادها؛ استفاده از فناوری‌های نوین مانند پلتفرم‌های دیجیتال برای نظارت بر عملکرد و جمع‌آوری بازخوردها از طریق ابزارهای کارآمد برای برقراری ارتباطات دوطرفه و جمع‌آوری داده‌های واقعی از ذی‌نفعان.

در سطح اول عوامل پاسخگویی و کارایی و اثربخشی قرار گرفته است. در راستای تحقق این ابعاد اقدامات زیر می‌تواند مفید باشد: ایجاد سازوکارهای شفافیت و گزارش دهی منظم از طریق گزارش دهی دوره‌ای از عملکرد و پروژه‌ها به ذی‌نفعان و انتشار عمومی اطلاعات مالی و عملکردی؛ استفاده از شاخص‌های کلیدی عملکرد برای ارزیابی و سنجش کارایی و اثربخشی برنامه‌ها و پروژه‌ها؛ تقویت نظارت و ارزیابی مستقل از طریق ایجاد نهادهای مستقل نظارتی دارای اختیارات کافی برای بررسی و ارزیابی عملکرد مدیران و کارکنان؛ توانمندسازی منابع انسانی از طریق آموزش و توسعه مهارت‌ها شامل برنامه‌های آموزشی مستمر و ارائه فرصت‌های توسعه حرفه‌ای برای کارکنان؛ استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای بهبود فرایندهای مدیریتی و عملیاتی شامل استفاده از سیستم‌های مدیریت اطلاعات، پلتفرم‌های ارتباطی دیجیتال و ابزارهای تحلیل داده‌ها؛ ایجاد فرهنگ سازمانی مبتنی بر پاسخگویی از طریق ترویج ارزش‌هایی مانند صداقت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری در بین کارکنان و مدیران از طریق برنامه‌های آموزش سازمانی و سیاست‌های داخلی.

همچنین نتایج تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی حاکی از آن است که هیچ عاملی در ناحیه خودمختار دسته‌بندی نشده است. عوامل خودمختار آن دسته از عواملی هستند که تأثیر کوچکی بر سایر عوامل گذاشته و تأثیر کوچکی از آن‌ها می‌پذیرند. فقدان این عوامل نشان از این دارد که تمامی عوامل مورد استفاده در این پژوهش نقش مهمی در حکمرانی خوب مناطق آزاد تجاری صنعتی ایفا می‌کنند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mahdi Abdollahpour



<https://orcid.org/0000-0002-7674-7819>

Gholamreza Kazemian



<https://orcid.org/0000-0003-1708-5736>

Reza Vaezi



<https://orcid.org/0000-0001-6589-1658>

Hosein Aslipoor



<https://orcid.org/0000-0002-9694-7295>

منابع

۱. اسفندیاری، علی اصغر، مقدس حسین زاده، سمیره، دلاوری، مجید. (۱۳۸۷). ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق. *پژوهش نامه اقتصادی*، ۸ (۲۸)، ۱۴۶-۱۱۹.
۲. افتخار جهرمی، گودرز، رضوانی، ابراهیم. (۱۳۹۵). الگوی خصوصی سازی ساختار اداره مناطق آزاد تجاری. *فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی*، ۷ (۲۶)، ۲۴۹-۲۷۵.
۳. الوانی، سید مهدی، شمس، لیلا. (۱۴۰۲). نوآوری ها و مدیریت دولتی ایران. *مطالعات مدیریت خدمات عمومی*، ۱ (۱)، ۱-۳۲.
<https://doi.org/10.22054/spsa.2023.69087.1004>
۴. تابلی، حمید؛ عسکری باقرآبادی، محبوبه، رجب زاده، پدram. (۱۴۰۲). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در داده حاکمیتی باز با رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری. *مطالعات مدیریت خدمات عمومی*، ۱ (۱)، ۹۳-۱۲۲.
<https://doi.org/10.22054/spsa.2023.70448.1006>
۵. تبریزی، منصوره. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۱ (۶۴)، ۱۰۵-۱۳۸.
<https://doi.org/10.22054/qjss.2014.344>
۶. تنگستانی، محمدقاسم، مرادی برلیان، مهدی. (۱۴۰۳). نسبت صلاحیت دستگاه های اجرایی با سازمان مناطق آزاد تجاری-صنعتی. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۱ (۵۴)، ۴۹-۷۳.
<https://doi.org/10.22059/jplsq.2022.327803.2838>
۷. دادرس مقدم، امیر؛ کریم، محمدحسین، رهنما، علی. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر تاب آوری اقتصادی در مناطق آزاد تجاری ایران. *سیاست های راهبردی و کلان*، ۸ (۳۰)، ۲۶۴-۲۸۹.
<https://doi.org/10.30507/jmsp.2020.112714>
۸. دهمرده قلعه نو، نظر؛ علی احمدی، ندا، قادری، عباسعلی. (۱۳۹۸). ارزیابی و اولویت بندی مناطق آزاد کشور و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق. *سیاست های راهبردی و کلان*، ۷ (۲۵)، ۱۰۸-۱۲۳.
<https://doi.org/10.32598/JMSP.7.1.108>

۹. رهنورد، فرج اله، یزدان شناسان، نرجس. (۱۳۹۴). تأثیر دولت الکترونیک بر حاکمیت خوب در پرتو درجه توسعه یافتگی کشورها. فصلنامه مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۳(۱۰)، ۴۵-۶۶.
۱۰. سلطانزاده، جواد؛ خیاطیان، محمدصادق، حبیب دوست، امیر. (۱۴۰۱). تبیین کارکردهای مناطق آزاد در نظام نوآوری ایران و اقتصاد دانش بنیان. مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۱۲(۴۵)، ۸-۲۷. <https://doi.org/10.22034/sspp.2023.1971326.3315>
۱۱. سلمانی، ذبیح اله؛ شریفی، ارکان، فرکیش، هانه. (۱۴۰۱). چالش های حقوق شهروندی در نظام اداری ایران در پرتوی حکمرانی خوب. تعالی حقوق ۴۰(۸)، ۲۰۰-۲۲۹.
۱۲. شمس، مجید، هاشمی، محمودرضا. (۱۳۹۸). اولویت بندی شاخص های حکمروایی خوب شهری از دیدگاه شهروندان در شهر بیستون، نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۸(۲۹)، ۸۱-۹۲.
۱۳. ضیائی، محمود، اسدیان اردکانی، فائزه. (۱۳۹۹). چهارچوبی برای سطح بندی متغیرهای حکمروایی خوب در توسعه پایدار مقصدهای گردشگری نمونه پژوهش: شهرستان میند، فصلنامه برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، ۱۱(۱)، ۱-۲۶. <https://doi.org/10.22108/sppl.2020.123953.1520>
۱۴. غفاری فرد، محمد؛ حسینی، فاطمه و حسینی مزاری، سید اسماعیل. (۱۴۰۲). سازوکار ارتقای حکمرانی و سیاست گذاری توسعه منطقه ای در ایران. مطالعات اقتصاد بخش عمومی، ۲(۱)، ۳۷-۸۵.
- <https://doi.org/10.22126/pse.2023.8786.1021>
۱۵. کاظمیان، غلامرضا؛ قربانی زاده، وجه اله؛ واعظی، رضا، شاه محمدی، مرضیه. (۱۳۹۸). الگوی نقش و ساختار حکمروایی محلی در نظام مدیریتی ایران. مدیریت دولتی، ۱۱(۲)، ۱۷۹-۲۰۲.
- <https://doi.org/10.22059/jipa.2019.278535.2521>
۱۶. کاظمیان، غلامرضا؛ واعظی، رضا؛ قربانی زاده، وجه اله، شاه محمدی، مرضیه. (۱۳۹۸). آسیب شناسی شکل گیری حکمروایی محلی در ایران با روش نظریه - پردازی داده بنیاد ساخت گرا. جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۶(۱)، ۶۳-۸۰.
- <https://doi.org/10.22067/gusd.v6i1.73965>
۱۷. محمودی، جعفر؛ رونقی، محمدحسین، رونقی، مرضیه. (۱۳۹۲). تعیین وزن و رابطه بین شاخص های حکمرانی خوب در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۶(۴)، ۵۹-۸۷.
۱۸. ذاکری، زهرا، اسفندیاری کلوکن، مجتبی. (۱۳۹۵). فراتحلیل مطالعات مناطق آزاد، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۱۹. محمدی فرد، حسام، پناهی نیکی قشلاق، سامان. (۱۴۰۰). تحلیل و بررسی عملکرد اقتصادی مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۰. مشفق، زهرا. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی مدل حکمرانی مناطق آزاد کشور. ماهنامه علمی/اقتصادی، ۱۰(۱۱)، ۶۵-۷۶.
۲۱. میهن خواه، عبدالمجید، حافظ، رضازاده، معصومه، انوری، محمود، رضا. (۱۴۰۲). ارزیابی اثرات مناطق آزاد تجاری-صنعتی بر توسعه شاخص‌های اجتماعی (رفاه و امنیت) در مناطق شهری (مطالعه موردی: شهر چابهار). آینده پژوهی شهری، ۱(۳)، ۱۱۰-۱۲۷.
<https://doi.org/10.30495/uf.2023.1977419.1083>
۲۲. واعظی، رضا؛ شمس، لیلا، ملکی، مصطفی. (۱۴۰۲). فراحکمرانی: نظریه‌ای برای حفظ و ارتقاء ارزش و خدمات عمومی. مطالعات مدیریت خدمات عمومی، ۱(۱)، ۱۸۵-۱۵۷.
<https://doi.org/10.22054/spsa.2022.66621.1002>
۲۳. واعظی، رضا و قیطرانی، فاطمه. (۱۳۹۸). حکمرانی همکارانه؛ رویکردی نو در مدیریت ارزش عمومی. دوفصلنامه توسعه علوم/انسانی، ۱(۲)، ۸۴-۶۱.
<https://doi.org/10.22047/hsd.2019.182454>.

24. Acemoglu, D., Robinson, J. A. (2020). *The narrow corridor: States, societies, and the fate of liberty*. Penguin.
25. Alansary, O. S. A., Al-Ansari, T. (2023). Defining 'free zones': A systematic review of literature. *Heliyon*, 9(4).
<https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e15344>
26. Allam, Z., Jones, D. S. (2019). Attracting investment by introducing the city as a special economic zone: A perspective from Mauritius. *Urban Research & Practice*, 12(2), 201-207.
<https://doi.org/10.1080/17535069.2019.1607017>
27. Alqooti, A. A. (2020). Public governance in the public sector: Literature review. *International Journal of Business Ethics and Governance*, 14-25.
<https://doi.org/10.51325/ijbeg.v3i3.47>
28. Amodu, N. (2018). An Examination of Governance and Operational Framework of Free Zones in Nigeria. *The Gravitas Review of Business and Property*, 9(1), 31-43.
29. Bianchi, C., Nasi, G., Rivenbark, W. C. (2021). Implementing collaborative governance: models, experiences, and challenges. *Public*

- Management Review*, 23(11), 1581-1589.
<https://doi.org/10.1080/14719037.2021.1878777>
30. Boeninger, E. (1991). Governance and development: Issues and constraints. *The World Bank Economic Review*, 5(1), 267-288.
https://doi.org/10.1093/wber/5.suppl_1.267
31. Buba, J., Wong, M. D. (2017). *Special economic zones: an operational review of their impacts*, The World Bank Group.
32. Dorożyński, T., Świerkocki, J., Dobrowolska, B. (2021). Governance of special economic zones and their performance: Evidence from Poland. *Entrepreneurial Business and Economics Review*, 9(3), 149-167.
<https://doi.org/10.15678/EBER.2021.090310>
33. Farole, T., Akinci, G. (2015). *Special Economic Zones: Progress, Emerging Challenges, and Future Directions*. The World Bank Group.
34. Gjaltema, J., Biesbroek, R., Termeer, K. (2019). From government to governance...to meta-governance: a systematic literature review. *Public Management Review*, 22(12), 1760-1780.
<https://doi.org/10.1080/14719037.2019.1648697>
35. Harpham, T., Boateng, K. A. (1997). Urban governance in relation to the operation of urban services in developing countries. *Habitat international*, 21(1), 65-77. [https://doi.org/10.1016/S0197-3975\(96\)00046-X](https://doi.org/10.1016/S0197-3975(96)00046-X)
36. Heeks, R. (2002). Reinventing government in the information age. In *Reinventing government in the information age* (pp. 31-43). Routledge.
37. Hidayat, S., Negara, S. D. (2020). Special economic zones and the need for proper governance. *Contemporary Southeast Asia*, 42(2), 251-275.
38. Hutaeruk, R. H., Tan, D., Situmeang, A., Disemadi, H. S. (2023). Developing an Indonesian Regulatory Framework in the Face of SEZs 5.0. *Journal of Indonesian Legal Studies*, 8(2), 453-500.
<https://doi.org/10.15294/jils.v8i2.67623>
39. Kitchin, R. (2014). *The data revolution: Big data, open data, data infrastructures and their consequences*. Sage.
<https://doi.org/10.4135/9781473909472>
40. Kuo, K. C., Lu, W. M., Nguyen, D. T., Wang, H. F. (2020). The effect of special economic zones on governance performance and their spillover effects in Chinese provinces. *Managerial and Decision Economics*, 41(3), 446-460. <https://doi.org/10.1002/mde.3112>

41. Lewis, D. (2011). *Bangladesh: Politics, economy and civil society*. Cambridge University Press.
42. Liou, K. T. (2017). Government reform, public governance, and Chinese economic development. *Journal of Chinese Governance*, 2(3), 255-270. <https://doi.org/10.1080/23812346.2017.1342871>
43. Lupala, J. M. (2015). Urban governance in the changing economic and political landscapes: A comparative analysis of major urban centres of Tanzania. *Current Urban Studies*, 3(2), 147-160. <https://doi.org/10.4236/cus.2015.32013>
44. Marandu, E. E., Mburu, P. T., Amanze, D. (2017). Evolution of Free Economic Zones: A Functional Taxonomy. *Archives of Business Research*, 5(11). <https://doi.org/10.14738/abr.511.3845>
45. Mergel, I., Edelmann, N., Haug, N. (2019). Defining digital transformation: Results from expert interviews. *Government information quarterly*, 36(4), 101385. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2019.06.002>
46. North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. In *Political Economy of Institutions and Decisions*. Cambridge University Press . <https://doi.org/10.1017/CBO9780511808678>
47. Tang, S. Y. (2021). Rethinking local and regional governance in China: An institutional design and development perspective. *Urban Governance*, 1(1), 51-58. <https://doi.org/10.1016/j.ugj.2021.11.002>
48. UNCTD (2019). *World investment report 2019: Special economic zones*. UN.
49. Weiss, T. G. (2000). Governance, good governance and global governance: Conceptual and actual challenges. *Third World Quarterly*, 21(5), 795–814.
50. Zeng, D. Z. (Ed.). (2010). *Building engines for growth and competitiveness in China: Experience with special economic zones and industrial clusters*. World Bank Publications.
51. Zhan, James X., Bruno Casella, and Richard Bolwijn, 'Towards a New Generation of Special Economic Zones: Sustainable and Competitive', in Arkebe Oqubay, and Justin Yifu Lin (eds), *The Oxford Handbook of Industrial Hubs and Economic Development*, Oxford Handbooks (2020; online edn, Oxford Academic, 6 Aug. 2020), <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780198850434.013.26>

References [In Persian]

1. Alvani, S. M., Shams, L. (2023). Recently developed technologies and public administration of Iran. *Studies in Public Service Administration*, 1(1), 1-32.
<https://doi.org/10.22054/spsa.2023.69087.1004>
2. Dadrasmoghadam, A., Karim, M., rahnama, A. (2020). Factors Affecting Economic Resilience in Free Trade Zones. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 8(30), 264-289.
<https://doi.org/10.30507/jmsp.2020.112714>
3. Dahmarde, N., Aliahmadi, N., Ghaderi, A. (2019). Evaluating and Prioritizing the Free Trade Zones of the Country and Their Impact on the Economic Development of These Regions. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 7(25), 108-123.
<https://doi.org/10.32598/JMSP.7.1.108>
4. Eftekhari Jahromi, G., Rezvani, E. (2016). Privatization model of administrative framworke of free trade zones. *Journal of Strategic Management Studies*, 7(26), 249-275.
5. Esfandiari, A. A., Moghadas, H. Z. S., Delavari, M. (2008). Evaluation of Iran's Free Trade Zones and Its Effects on Economic Development of These Zones, *Economic Research*, 8(28), 119.
6. Ghaffary Fard, M., Hussein, F., Hosseini Mazari, S. I. (2023). The Mechanism of Promoting Governance and Regional Development Policy in Iran. *Public Sector Economics Studies*, 2(1), 37-58.
7. Kazemian, G., Ghorbanizadeh, V., Vaezi, R., Shahmohammadi, M. (2019). A Pattern of Role and Structure of Local Governance in Iran's Management System. *Journal of Public Administration*, 11(2), 179-202.
<https://doi.org/10.22059/jipa.2019.278535.2521>
8. Kazemian, G., Vaezi, R., Ghorbanizadeh, V., Shahmohammadi, M. (2019). Pathology of the Formation of Iranian Local Governance using Constructing Grounded Theory. *Geography and Urban Space Development*, 6(1), 63-80. <https://doi.org/10.22067/gusd.v6i1.73965>
9. Mahmody, J., Rounagi, M. H., Rounagi, M. (2014). Weighting the indices of good governance in Iran. *Strategic Studies Quarterly*, 16(62), 59-87.
10. Mihankhah, A., Rezazadeh, M., Anvari, M. (2023). Review and Prioritization of Urban Areas with Emphasis on the Impact of Free Trade-Industrial Zones on the Development of Social Indicators (Case Study:

- Chabahar City), *Journal of Urban Futurology*, 3(1), 110-127.
<https://doi.org/10.30495/uf.2023.1977419.1083>
11. Mohammadi Fard, H., Panahi N., Q., S. (2021). Analysis and review of the economic performance of industrial free trade zones of the Islamic Republic of Iran, *Office of Economic Studies in Islamic Parliament Research Center (IPRC)*.
 12. Moshfegh, Z. (2023). Pathology of the iran's free zones governance model. *Journal of Economic Security*, 10(11), 65-76.
 13. Rahnavard, F., Yazdanshenasan, N. (2015). The Effect of E-Government on Good Governance in the light of Degree of National Development. *Resource Management in Police Journal of the Management Dept*, 3(10), 45-66.
 14. Salmani, Z., Sharifi, A., Farkish, H. (2022). Challenges of Citizenship Rights in the Iranian Administrative System in Light of Good Governance. *Culmination of Law*, 8(3), 199-229.
 15. Shams, M., Hashemi, M. (2019). Prioritizing good urban governance indicators from citizens' points of view of Bisotun city. *Journal of Geography and Environmental Studies*, 8(29), 81-92.
 16. Soltanzadeh, J., Khayyatian, S., Habibdoust, A. (2023). Explaining the functions of Free Economic Zones in the Iranian innovation system and knowledge-based economics. *Strategic Studies of public policy*, 12(45), 8-27. <https://doi.org/10.22034/sspp.2023.1971326.3315>
 17. Taboli, H., Askari bagher abadi, M., Rajabzadeh, P. (2023). Effective factors on citizen participation in open government with an interpretive structural modeling approach. *Studies in Public Service Administration*, 1(1), 93-122.
<https://doi.org/10.22054/spsa.2023.70448.1006>
 18. Tabrizi, M. (2014). Qualitative content analysis from the perspective of deductive and inductive approaches, *Social Sciences*, 21(64), 105-138.
<https://doi.org/10.22054/qjss.2014.344>
 19. Tangestani, M. G., Moradi Berelian, M. (2024). The Relationship between the Competences of Governmental Institutions and Free-Trade/Industrial-Zones Organizations. *Public Law Studies Quarterly*, 54(1), 49-73.
 20. Vaezi, R., Gheitarani, F. (2019). Collaborative Governance; a New Approach to Public Value Management. *Development of humanities*, 1(2), 61-84.

21. Vaezi, R., Shams, L., Maleki, M. (2023). Meta-Governance: A Theory for Preserving and Promoting Public Value and Service. *Studies in Public Service Administration*, 1(1), 157-185.
<https://doi.org/10.22054/spsa.2022.66621.1002>
22. Zakeri, Z., Esfandiari C., M. (2016). Meta-analysis of free zone studies, *Office of Economic Studies in Islamic Parliament Research Center (IPRC)*.
23. Ziaee, M., Asadian Ardakani, F. (2021). A Framework for Leveling Good Governance Factors in the Sustainable Development of Tourism Destinations (Case Study: Maybod City). *Spatial Planning*, 11(1), 1-26
<https://doi.org/10.22108/sppl.2020.123953.1520>

استناد به این مقاله: عبدالله پور، مهدی، کاظمیان، غلامرضا اصلی پور، حسین. (۱۴۰۳). حکمروایی

مناطق آزاد تجاری صنعتی بر اساس نظریه حکمروایی خوب. *مطالعات مدیریت خدمات عمومی*، ۲(۴)، ۱ - ۴۰.

doi: 10.22054/spsa.2024.80095.1043



Studies in Public Service Administration is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.